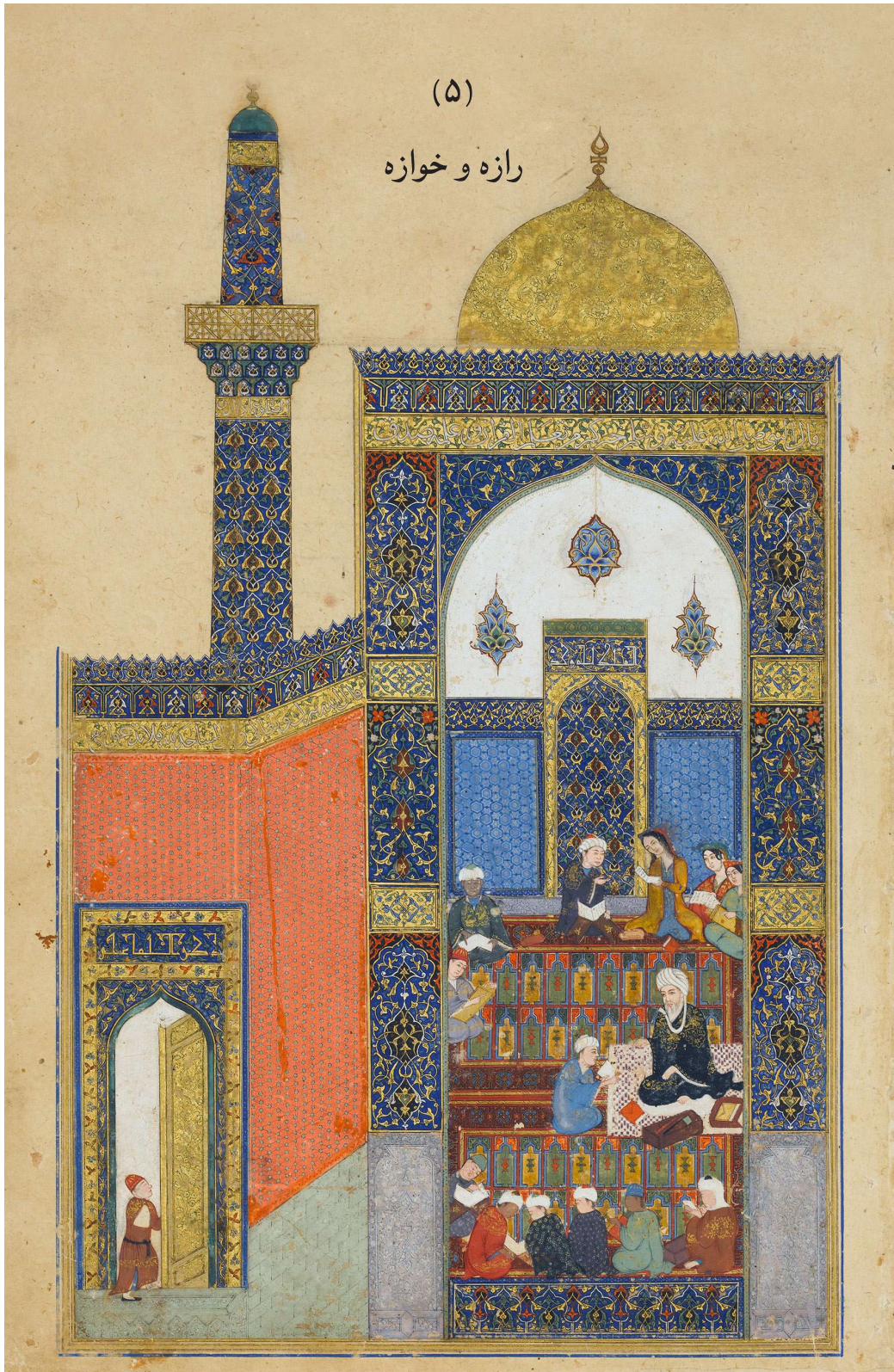


(۵)

رازه و خوازه



نامه بایسنقر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی

لیلی و مجنون، ۸۳۵ق.، کتابت جعفر بایسنقری، نسخه شماره ۱۹۹۴.۲۳۲، موزه هنر متروپولیتن، نیویورک.

بناهای تاریخی هرات^۱

واریک بال^۲

برگرداننده از انگلیسی: عرفان چوبینه بهروز^۳

یادداشت برگرداننده

واریک بال، باستان‌شناس استرالیایی باشنده اسکاتلند است که از ۱۹۷۲ - ۱۹۸۱ میلادی نه سال از عمر حرفه‌ای خود را در بررسی، مطالعه و عکس برداری از بناهای تاریخی و کاوش در ساحات باستانی افغانستان گذراند. او مجموعه این مطالعات را در ده‌ها مقاله و در کتاب‌های فرهنگ جغرافیایی ساحات باستان‌شناختی افغانستان (۲۰۱۹)،^۴ بناهای افغانستان: تاریخ، باستان‌شناسی و معماری (۲۰۰۸)،^۵ قاهره تا کابل: مطالعات اسلامی و افغانستان‌شناسی تقدیم به رالف پیندر

۱. مقاله حاضر برگرفته از کتاب *بناهای افغانستان: تاریخ، باستان‌شناسی و معماری* است که در سال ۲۰۰۸ توسط انتشارات آی. بی. تاوریس (I. B. Tauris) در لندن منتشر شده است. عنوان فصل پنجم این کتاب «فرهنگ جغرافیایی ساحات و بناهای اصلی» است که ما بخش هرات آن را به فارسی برگردانده‌ایم. تمامی پانوشته‌های این مقاله افزوده برگرداننده است.

2. Warwick Ball

۳. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی - Choobine.com@gmail.com

4. Archaeological Gazetteer of Afghanistan

این کتاب ابتدا در سال ۱۹۸۲ به زبان‌های فرانسه و انگلیسی (برخی مدخل‌ها به فرانسه و برخی به انگلیسی) با عناوین فرهنگ جغرافیایی ساحات باستان‌شناختی افغانستان (The Archaeological Gazetteer of Afghanistan) و فهرست ساحات باستان‌شناختی در افغانستان (Catalogue des Sites Archeologiques D'Afghanistan) با هم‌کاری ژان-کلود گردین (Jean-Cloud Gardin) در دو مجلد توسط انتشارات Recherche sur les civilisations در پاریس منتشر شد و نسخه‌ی بازبینی‌شده آن توسط انتشارات آی. بی. تاوریس (I. B. Tauris) به زبان انگلیسی در یک مجلد در لندن به طبع رسید.

5. The Monuments of Afghanistan: History, Archaeology and Architecture



(۲۰۰۲)^۱ به صورت مشترک با لئونارد هرو^۲ و کاوش‌های باستان‌شناسی در قندهار (۱۹۹۲)^۳ به صورت مشترک با ای. دابلیو. مک‌نیکول^۴ منتشر کرد. وی از ویراستاران کتاب *باستان‌شناسی افغانستان از کهن‌ترین دوران تا دوره تیموری* (۲۰۱۹)^۵ نیز بود که انتشارات دانشگاه ادینبورو^۶ در اسکاتلند آن را به چاپ رسانید. افزون بر این‌ها او در تألیف کتاب *کاوش‌ها و اکتشافات در شهر هرات (شهر کهنه)*^۷ با اوتو فرانک^۸ و توماس اُربن^۹ (نویسندگان کتاب) همکاری کرده‌است. واریک بال هم‌اکنون از اعضای هیئت تحریریه نشریه *مطالعات افغانستان*^{۱۰} است، نشریه‌ای که از طرف مؤسسه آمریکایی مطالعات افغانستان^{۱۱} و توسط انتشارات دانشگاه ادینبورو از سال ۲۰۱۸ تا کنون به چاپ می‌رسد.

کتاب *بناهای افغانستان* در پنج بخش به شمول مقدمه، پیشینه تاریخی، پیشینه معماری، کاوش‌ها در افغانستان و فرهنگ جغرافیایی ساحات و بناهای اصلی، مجموعاً در ۲۹۸ صفحه تنظیم شده‌است. افزون بر عکس‌ها و تصاویر نایاب ساحات و بناهایی که امروزه دسترسی به برخی از آن‌ها به سبب شرایط حاکم بر این سرزمین میسر نیست (چون تصاویر محیط داخلی کاخ لشکری بازار)، توضیح و توصیفات دقیق نویسنده از مکان‌ها و بناهای تاریخی همراه با نقشه‌های معماری شهرها و بناهای اصلی، بر آگاهی مخاطب در درک جزئیات، کارکردهای این ابنیه در طول تاریخ و علل اعمار و بازسازی آن‌ها می‌افزاید. نکته قابل ذکر دیگر، تفاوت‌های گزارش ناظر بر ویژگی‌های برخی بناهای تاریخی است با آنچه در کتب نویسندگان افغانستانی آمده‌است. مثلاً جواد خاوری در کتاب *شگفتی‌های بامیان، واقعیت و افسانه، قلعه چهل برج بامیان* را دارای نقاشی‌هایی از ضحاک ماردوش وصف می‌کند که بعدها از میان رفته‌اند و با تکیه بر سبک معماری و مواد به‌کاررفته در اعمار این بنا، احتمال می‌دهد که اصل آن در دوره پیش از اسلام ساخته شده باشد (۱۳۹۵، صص ۲۱۳ - ۲۱۴)؛ حال آن‌که اولاً بال سخنی درباره چنین نقاشی‌هایی به میان نیاورده و ثانیاً تاریخ بنا را از سده ششم هجری / دوازدهم میلادی (دوره

1. Cairo to Kabul: Afghan and Islamic Studies Presented to Ralph Pinder
2. Leonard Harrow
3. Excavations at Kandahar
4. A. W. McNicoll
5. The Archaeology of Afghanistan: From Earliest Times to the Timurid Period
6. Edinburgh University Press
7. Excavations and Explorations in Herat City (Ancient Herat)
8. Ute Franke
9. Thomas Urban
10. Afghanistan Studies
11. The American Institute of Afghanistan Studies



غوریان) پیش‌تر در نظر نگرفته‌است.^۱ اهمیّت مثال فوق در این جاست که اگر با بررسی‌های دقیق‌تر ثابت شود که بنیادگذاری بنا به دوره پیش از اسلام برمی‌گردد و واقعاً نقاشی‌های داستان‌های ملی ایرانیان^۲ را در بر داشته‌است، می‌تواند نشانگر این باشد که شهرت این داستان‌ها به قدری فراگیر بوده که جز دیوارنگاری‌های «پنجکنت» تاجیکستان، احتمالاً اماکن دیگری نیز به تصاویر آن‌ها آراسته بوده‌است. امید است که روزی با کاوش‌ها و بررسی‌های دقیق‌تر، این گونه ابهامات نیز برچیده شود.

هرات

به‌شمول آزادان، باغ نظرگاه، گازرگاه، غلوار، کهن دژ و پل مالان

عرض البلد: ۳۴ درجه و ۲۰ دقیقه شمالی

طول البلد: ۶۲ درجه و ۲ دقیقه شرقی

دوره‌های تاریخی: هخامنشی، ۴-۶ پیش از میلاد؛ ساسانی، ۳-۷ پس از میلاد؛ سلجوقی، غوری، آل کرت و تیموری؛ ۱۱-۱۶ پس از میلاد.

هرات یگانه شهر افغانستان کنونی و ایران قدیم است که شکل سنتی خویش را حفظ کرده‌است. نام این شهر از ریشه «آریان» که نام ایران نیز از آن برگرفته شده، می‌آید و احتمالاً بازتاب‌دهنده نخستین جابه‌جایی اقوام ایرانی از آسیای میانه به ایران در هزاره دوم پیش از میلاد است. به همین اساس، این شهر در متون مقدس زردشتیان که در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تألیف شده‌است با نام «هریو پدیدار» و در اواسط هزاره اول پیش از میلاد به یک مرکز ساتراپی هخامنشی به همان نام (هریو) تبدیل می‌شود؛ جایی که برای یونانی‌ها، پس از حمله اسکندر، با نام «آریا» شناخته می‌شده‌است. تا کنون نشانه‌ای از وجود این شهر در عصر آهن یا در دوره هخامنشی با استفاده از کاوش‌های باستان‌شناسی دیده نشده‌است، هرچند در اوایل سده سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی یک مهر استوانه‌ای به خط میخی از دوره هخامنشی (همراه با مهرها و جواهرات ساسانی) به‌طور تصادفی در هرات، یا در حوالی آن، کشف شد. با این حال، قلعه اختیارالدین و کهن دژ، هر دو، بر روی تل‌های بزرگی قرار دارند که اگر کاوش‌های باستان‌شناسی در آن‌ها

1. Ball, The Monuments of Afghanistan: History, Archaeology and Architecture, p 178.

۲. مراد از ایران، در این مقاله، کشور کنونی، یعنی هم‌سایه غربی افغانستان نیست، بلکه سرزمینی تاریخی‌ست که ایران، افغانستان و تاجیکستان کنونی را در بر می‌گرفته‌است؛ بنابراین، منظور از «داستان‌های ملی ایرانیان» داستان‌های ملی مردمان تمامی این کشورهاست.





صورت گیرد، احتمالاً شهر باستانی را آشکار می‌کنند. هرات در دوران هلنی، پارتی و ساسانی یک مرکز ساتراپی باقی‌ماند. نخستین جغرافی‌نگاران مسلمان از سده سوم هجری / نهم میلادی به بعد، توصیفات موشکافانه‌ای از شهر ارائه کرده‌اند، زمانی که آن‌جا یکی از مهم‌ترین شهرهای شرق جهان اسلام بود. هرات از سال ۵۷۰ - ۶۱۸ ق. / ۱۱۷۵ - ۱۲۲۱ م. در کنار فیروزکوه، واقع در کوهستانی که به سمت شرق می‌رود،^۱ یکی از پای‌تخت‌های حکومت غوریان شد. فیروزکوه قلمروی بود که احتمالاً در اصل بیش‌تر ارزشی نمادین داشته، در حالی که مرکزیت اصلی شهری و اداری غوریان در هرات مانده بوده‌است. این شهر دو بار در حملات مغول در اوایل سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی ویران گردید؛ اما بعد از سال ۶۴۱ ق. / ۱۲۴۴ م. زیر نظر سلسله محلی آل‌کرت، که از طرف مغولان بر هرات فرمان می‌راندند، تا حدی احیا شد. به‌ترین دوران این شهر بعد از سال ۸۰۷ ق. / ۱۴۰۴ م. فرارسید، زمانی که شاه‌رخ، فرزند و جانشین تیمور، پای‌تخت را از سمرقند به هرات، انتقال داد. این دوره عصر طلایی شهر بود که در آن، شاه‌رخ، همسرش گوهرشاد و خویش‌ان‌ها، حسین بایقرا، هرات را به بناهای باشکوه گوناگون آراسته کردند. در سال ۹۱۳ ق. / ۱۵۰۷ م. هرات زمانی که بخش زیادی از آن ویران شده بود، به دست ازبک‌ها افتاد. عالی‌ترین مجموعه ساختمانی شهر، مجتمع مصلاً واقع در بیرون دیوار شهر به سمت شمال، در سال ۱۳۰۲ ق. / ۱۸۸۵ م. به امر بریتانیایی‌ها به‌حیث بخشی از آمادگی دفاعی در برابر تهدید حمله روس‌ها به‌طور گسترده منفجر شد و نیز در سال ۱۳۵۸ خ. / ۱۹۷۹ م. در جنگی که به‌دنبال حمله روس‌ها در گرفت، به این بنا آسیب بیش‌تری رسید و بناهای دیگری نیز دچار آسیب شدند.

۱. مسلماً منظور از کوهستان، کوه‌های ولایت غور در اطراف «منار جام» است. درباره موقعیت فیروزکوه، توصیف جوزجانی از کشته‌شدن سلطان غیاث‌الدین محمود قابل تأمل است:

و جمعی از ایشان [کشندگان سلطان] شب‌ها بر کوه آزاد که برابر قصر خوابگاه سلطان بود برآمده بودند و مخفی نشسته و قصر خوابگاه را و راه آن موضع تمام در نظر آورده... از آن جماعت چهار تن بر بام قصر سلطان برآمدند و سلطان را شهید کردند، و هم از راهی که برآمده بودند بازرفتند و از آب فیروزکوه که پیش قصر می‌رود، عبره کردند... (جوزجانی، ۱۳۴۲: ج ۱، ص ۳۷۷؛ به نقل از Vercellin, pp 339-340)

ورچلین بر پایه سخن جوزجانی موقعیت دقیق‌تری برای فیروزکوه در نظر می‌گیرد:

... در غرب جام‌رود و جنوب هری‌رود روبه‌روی منار، ارگ و خرابه‌هایی که باشندگان منطقه آن را «بازارها» می‌نامند کوهی به نام «کوه آزاد» برآمده است. در تعیین موقعیت این کوه دیگر چیزی نمی‌توانیم بیفزاییم و یا کم کنیم. از بلندای این کوه به آسانی بناهایی که در کوه روبه‌رو روزگاری ساخته شده بود، دیده می‌شود. این کوه به سمت شمال هری‌رود متمایل است و برای رسیدن به آن باید از رودخانه عبور کرد. آنچه گفتیم دقیقاً منطبق بر گفته‌های نویسنده طبقات ناصری است. نام کوه «سنگ منار» که پشت منار جام در شرق جام‌رود واقع شده و روبه‌روی کوه آزاد قرار گرفته است به قدری با خود منار مرتبط است که راه هر گونه استنتاج دیگری را بر ما می‌بندد (Vercellin, p 340).

به اساس توضیح ورچلین، تختگاه غوریان و احتمالاً بخشی از شهر فیروزکوه به روی کوه سنگ منار اعمار شده بود. برای درک به‌تر موقعیت جغرافیایی کوه‌های یادشده، نقشه این منطقه را، که در مقاله ورچلین آمده‌است، در بخش پیوست بازنشر می‌کنیم (نک. نقشه و).



در سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۶ خ. / ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ م.، مهم‌ترین بناهای شهر توسط مؤسسه آمریکایی مطالعات ایران‌شناسی^۱ مورد تدقیق و بررسی قرار گرفت. استاکرت^۲ در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ خ. / ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ م.، یونسکو^۳ در ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ خ. / ۱۹۶۲-۱۹۶۳ م.، هیئت افغان - جماهیر شوروی^۴ در ۱۳۴۶ - ۱۳۴۸ خ. / ۱۹۶۷-۱۹۶۹ م.، و دانشگاه کابل با هم‌کاری یونسکو در ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ خ. / ۱۹۷۸-۱۹۷۹ م. مطالعات معماری بعدی را صورت دادند. یونسکو هم‌چنین از مرمت ایوان غوری مسجد جامع هرات در سال ۱۳۴۳ خ. / ۱۹۶۴ م. و کاوش‌های باستان‌شناسی در ارگ و مرمت و نگهداری ارگ و مناره‌ها در سال‌های ۱۳۵۴ - ۱۳۵۸ خ. / ۱۹۷۵ - ۱۹۷۹ م. حمایت مالی کرد.

شهر کهنه

به شکل شهرهای کهن آسیای میانه، مربعی که هر ضلع آن ۱۲۰۰ متر است طراحی شده است. دو خیابان متقاطع شهر را به چهار ربع تقسیم کرده و دورادور شهر با دیوارهای گلی بزرگ احاطه شده است. بخش اعظم دیوار در طول سده چهاردهم هجری / بیستم میلادی از هم پاشیده و در جای جای نشانه‌هایی از آن دیده می‌شود. دو خیابان متقاطع خیابان‌های تجاری اصلی شهر هستند و در مرکز شهر در یک «چارسو»، مرکز سنتی بازارهای شهرهای آسیای میانه، به یک‌دیگر می‌رسند. پشت این چارسو، مناطق مسکونی سنتی متشکل از کوچه‌هایی پیچ‌درپیچ و خانه‌هایی درون‌گرا در پشت دیوارهای بلند گلی ست. بیش‌تر این مناطق با بام‌باران شوروی در دهه هشتاد میلادی با خاک یکسان شده است.

قلعه اختیارالدین و مسجد پر نقش و نگار جامع دو بنای بازمانده مهم شهر کهنه‌اند که هر دو تا اندازه زیادی از جنگ اخیر^۵ جان سالم به در برده‌اند. قلعه اختیارالدین عمدتاً ارگی از سده نهم هجری / پانزدهم میلادی با حصارهایی از خشت پخته است که هفده برج دایره‌ای و نیمه‌دایره‌ای دارد. برج شمال‌غربی با خشت‌های لعابی‌ای با طرح‌های هندسی و خوش‌نویسی تزئین شده است. این قلعه بر فراز تلی بلند، احتمالاً در بردارنده بقایای باستانی دورانی کهن‌تر، جای دارد که با خاکریزی از خشت پخته احاطه شده است. داخل قلعه ساختمان‌های اداری و نظامی قدیمی ست که تاریخ‌شان به سده‌های دوازده و سیزده هجری / هجده و نوزده میلادی برمی‌گردد.

1. The American Institute of Iranian Studies
2. Stuckert
3. UNESCO
4. The Afghan-Soviet Mission

۵. منظور جنگ شوروی در افغانستان است.





نخستین بار در سده چهارم هجری / دهم میلادی به «مسجد جامع» اشاره شده،^۱ هرچند که این بنا در آغاز سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی، زمانی که هرات پای‌تخت حکومت غوریان شده بود، کاملاً بازسازی شده است. تنها بخش‌های برجای مانده از این دوره عبارتند از: ایوان ورودی با شکوه تزئین شده با خشت فشاری در شرق ورودی اصلی، مقبره‌ای منتسب به سلطان غیاث‌الدین غوری چسبیده به ضلع شمالی مسجد، و برخی قطعات در دیگر جای‌ها. این مسجد به‌طور گسترده در دوره تیموریان نوسازی شده است و از این رو نمونه‌هایی عالی از کاشی‌کاری سده‌های نهم و دهم هجری / پانزدهم و شانزدهم میلادی در آن به چشم می‌خورد.

شهر کهنه بناهای تاریخی کم‌اهمیت‌تر گوناگونی را عمدتاً از ادوار بعدی نیز در بر می‌گیرد. این بناها به‌شمول برخی کاروان‌سراهای دوطبقه چون کاروان‌سرای عبدالکریم خان، حاجی رسول و مختارزاده، همراه با چندین کاروان‌سرای دیگر و چندین بازارچه مسقف، برخی خانه‌های شخصی چشم‌نواز مانند خانه حاجی غلام‌محمد، حمام‌ها و آب‌انبارهای گنبدی متعدد که بزرگ‌ترینش حوض چارسو در مرکز شهر است، چندین و چند مسجد و مزار کوچک و کنیسه‌های بسیار (بعضاً نیک آراسته) هستند.

اطراف شهر

بیش‌تر بناهای تاریخی مهم شهر بیرون دیوارها قرار دارند. به سمت شمال بقایای چندپاره مجموعه فوق‌العاده مفصلی است که عموماً (هرچند به‌غلط) به نام «مجتمع مصلاً» شناخته می‌شود، بنایی که زمانی یکی از باشکوه‌ترین مجموعه‌های معماری در جهان اسلام توصیف شده است. بخش اعظم این مجموعه در دهه نخست سده چهاردهم / هشتاد سده نوزدهم میلادی عمداً تخریب شده است (هر چند تصاویر آن دوره نشان می‌دهد که ساختمان‌ها حتی پیش از آن زمان نیز تا حد زیادی ویران شده بود). این بخش‌های برجای مانده، بقایای سه بنای جداگانه هستند. نخستین بنا «مسجد گوهرشاد» است که تنها مناره شمال‌غربی آن تا سده بیستم برجای مانده است که از میان مناره‌های بازمانده، بهترین است. به‌ترین مناره‌های برجای مانده در هرات، در شمال شهر «مدرسه و بقعه گوهرشاد» بود که از آن مجموعه تنها بقعه و بخشی از مناره جنوب‌شرقی بر جای مانده که از اثر جنگ‌ها آسیب فراوانی دیده است. «بقعه» با گنبد شیاردار متمایزی از دوره تیموری پوشیده شده و قسمت داخلی آن آرایش رنگی زیبایی دارد، اما بر اثر شلیک گلوله در دهه شصت خورشیدی / هشتاد میلادی متحمل آسیب جدی شده و بیش‌تر

۱. گلمیک به‌نقل از حافظ‌ابرو، سده پنجم / یازدهم میلادی را تاریخ بنیان‌گذاری و شمس‌الدین مسعود هروی، وزیر سلطان تکش را بنیان‌گذار مسجد جامع می‌داند (نک. Golombek, p 95).



کاشی‌هایش از میان رفته‌است. ساختمان سوم «مدرسه و بقعه سلطان حسین بایقرا» است. تنها مناره‌های چهارگوشه آن هم چنان پابرجای است و همه آن‌ها در اصل با مرغوب‌ترین کاشی فاینز تزیین شده بودند. از مقبره و بقایای مدرسه هیچ نشانی به جا نمانده‌است. پس از بمباران گسترده منطقه در دهه شصت خورشیدی / هشتاد میلادی، چهار مناره هم چنان پابرجای است ولی اکنون تقریباً تمامی کاشی‌های آن ریخته و یکی از مناره‌ها با گلوله سوراخ‌سوراخ شده‌است.

میان «مجموعه مصلا» و دیوارهای شهر، تل بزرگی ست که به «کهن دژ» معروف است؛ جایی که احتمالاً نمایانگر بقایای دوران پیش از سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی شهر است. بر فراز تل، دو مزار پر عظمت (شاهزاده عبدالله و شاهزاده قاسم) از دوره تیموری قرار دارد. هر دو بنا گنبدی شکل هستند که با اتاق‌های کوچک احاطه شده‌اند. مزار شاهزاده عبدالله در سال ۷۰۴ ق. / ۱۳۰۵ م. ساخته شد، لیکن بعدها در اواخر سده نهم هجری / پانزدهم میلادی به طور گسترده بازسازی شده‌است. این بنا که مفصل‌تر از دیگری ست و درون آن با رنگ و گچ‌بری و بیرون آن با کاشی لعابی آراسته شده‌است، بر اثر بمباران به شدت صدمه دیده‌است. تاریخ اعمار بنای مزار شاهزاده ابوالقاسم نیز به اواخر سده نهم هجری / پانزدهم میلادی برمی‌گردد. گنبد این آرامگاه از مزار شاهزاده عبدالله بزرگ‌تر است هرچند همانند آن آراسته نیست. در فاصله ۲۰۰ متری برج جنوب‌غربی شهر مزار میرعبدالواحد شهید با دروازه ورودی بلندی قرار داشت. قسمت داخلی

1. Faïence

فاینز نوعی تکنیک ساخت کاشی، سفالینه و خشت است و محصولی که از دل این تکنیک بیرون می‌آید کاشی (سفالینه و...) لعابدار ماتی‌ست که لعابش از سرب و قلع تشکیل می‌شود. گفتنی‌ست که در ساخت چنین کاشی و خشتی باید از خاک رس استفاده شود. ابوالقاسم عبدالله کاشانی در کتاب *عرایس الجواهر و نفایس الأطایب* (که ظاهراً کهن‌ترین متن فارسی‌ست که درباره این تکنیک سخن رانده‌است. نک. Allan and et al, pp 165-173) ساخت این نوع کاشی را بدین‌گونه شرح می‌دهد:

و آن چنان است کی فراگیرند اسرب سفید نیکو سه جزو، و رصاص ثلث جزو، و اگر به عیارتر و نیکوتر خواهند رصاص تا نصف کنند. و نخست اسرب در فرن بگذارند زمانی، و رصاص بر وی اندازند و به آتشی تیز با هم مختلط کنند تا نیک گذاشته شود. چون خاکی بر سر آورد تمام رسیده باشد. آنگاه آتش بس کند و در آتشدان به گل استوار بگیرد و خاکی که بر سر آن گذاشته می‌آید به مجرفه آهنین از سر آن برون می‌آورد تا به تدریج همه خاک شود به زمان نیمروز. صنّاع آن را «سرنج» گویند. و اگر خواهند ازو سپیده زنان گیرند، اعنی اگر یک ساعت بگذارند تخته‌های سفید نیکو ببندد، آن را به مجرفه برون کنند و از سرنج پاک کنند. اگر خواهند که همه سپیداب گردد همه را باز در فرن کنند و زمانی آتشی تیز می‌کنند و شبانروزی همچنان در آنجا بگذارند تا به غایت سفید شود، به شرط آن‌که کفچه و مجرفه بدو نرسانند. بعد از آن از سنگ قمسری یک جزو و یک جزو شخار با هم بریان کرده سرد کند، و به هر سه من از جوهر مذکور یک من از این اسرنج با هم ترکیب کنند و باز در فرن جوهر بگذارند به زمان دوازده ساعت مستوی تا جوهری مصمت حاصل آید. و چون نیک گذاشته گردد باز در فرن جوهر بگذارند کی هم چنان به کفچه در آب گیرند و مدقوق و مطحون محفوظ دارند (کاشانی، ۱۳۸۶، صص ۳۴۲ - ۳۴۳).

برای آگاهی بیش‌تر از سیر تحوّل و انکشاف این نوع کاشی در معماری خاور و آسیای میانه نک.

Wilber, Donald N. "The Development of Mosaic Faïence in Islamic Architecture in Iran." *Ars Islamica*, vol. 6, no. 1, Freer Gallery of Art, The Smithsonian Institution and Department of the History of Art, University of Michigan, 1939, pp 16-47.





دروازه و گنبد، هر دو با تزئینات گچ‌بری آراسته بود. این بنا نیز در جنگ اخیر به کلی ویران شده و اکنون در حال بازسازی است.

بناهای بیرون از شهر

در قریه آزادان، پنج کیلومتری شمال غرب هرات و حدوداً دو کیلومتر به سمت شمال راهی که به زنده‌جان می‌رود، مجتمع زیارتگاه «ابوالولید» شامل مقبره، مسجد، رباط و آب‌انبار واقع شده است. مقبره در اصل بنایی متعلق به دوره آل‌کرت بوده که زیر نظر امیرعلی شیر نوایی تغییر مفصلی یافته و به‌طور گسترده در دوره معاصر بازسازی شده است. مسجد این مجموعه، با وجود این‌که در اصل متعلق به دوره تیموری است، در سال ۱۳۳۵ خ. / ۱۹۵۶ م. بازسازی شده است؛ با این حال هنوز مقبره خواجه نظام‌الملک خوافی که کتیبه‌ای به خط ثلث دارد، در آن جای دارد. این بنا هم تقریباً به‌طور کامل در اثر بم‌باران در دهه شصت خورشیدی / هشتاد میلادی ویران شده بود.

در غلوار، چهارکیلومتری غرب هرات، درست به سمت شمال راهی که به زنده‌جان می‌رود، مسجدی متعلق به دوره تیموری (که به «حوض کرباس» نیز شناخته می‌شود) قرار دارد که در دوره‌های بعدی تغییرات زیادی به خود دیده است. این مسجد محرابی بسیار زیبا با تزئینات خوش‌نویسی بر روی کاشی معرق سفید و آبی داشته است. روبه‌روی محراب کتیبه دیگری بوده است که تاریخ بنا یعنی سال‌های ۸۴۴ - ۸۴۵ ق. / ۱۴۴۱ - ۱۴۴۲ م. را به دست می‌دهد. بخش‌های دیگر داخلی با گچ ساده سفید پوشیده شده بود. این بنا نیز در نتیجه بم‌باران در سال ۱۳۶۱ خ. / ۱۹۸۲ م. به تلی از خاک تبدیل شده است.

ازین طرف تا آن طرف هری‌رود، شش کیلومتر مستقیم به سمت شمال هرات بر روی جاده قدیمی که به قندهار می‌رود، «پل مالان» پلی از سنگ و خشت با بیست‌وهفت طاق قرار دارد. علی‌رغم این‌که پیش‌تر بخش‌های این پل در سده چهاردهم هجری / بیستم میلادی بازسازی شده، اما هسته اصلی بنا دیرینگی خود را حفظ کرده است.

حدود سه کیلومتری شمال شرق هرات روی زمین غیرمحصوری بین کرانه شهر و گازرگاه در حوالی باغ نظرگاه، مجموعه عظیمی از توده‌های خاکریزی به چشم می‌خورد که احتمالاً بقایای باغ باشکوهی از دوره تیموری است.^۱ در کرانه دشت هرات، چهارکیلومتری شمال شرق هرات، در

۱. نویسنده در مقاله «بقایای باغی باشکوه متعلق به دوره تیموری بیرون از شهر هرات» (The Remains of a Monumental Timurid Garden Outside Herat)، و نیز در کتاب فرهنگ جغرافیایی ساحات باستان‌شناختی افغانستان درباره این مجموعه



قریه «گازرگاه»، ساحهٔ مجتمع بزرگ زیارتگاه خواجه عبدالله انصاری، متعلق به سدهٔ نهم هجری / پانزدهم میلادی در دورهٔ تیموری، قرار دارد. زیارتگاه خواجه صحنی بزرگ با ایوانی بلند دارد. بخش‌های زیاد این آرامگاه با کاشی آراسته شده‌است. عمارت‌های دیگر مجتمع عبارتند از: «نمکدان» با کلاه‌فرنگی متعلق به سدهٔ نهم هجری / پانزدهم میلادی؛ «حوض زمزم» و عمارت «زرنگار». افزون بر این‌ها، تعداد زیادی سنگ قبر مرمرین با نقش‌های تو در تو نیز به چشم می‌خورد. تمامی این بناها از جنگ اخیر در امان مانده‌اند.

سخن گفته‌است. بال در مقاله‌اش این خاکریزها را بین باغ نظرگاه یا محدودهٔ شمالی‌ای در اطراف هرات که امروزه منطقهٔ زراعی است، و زیارتگاه گازرگاه توصیف می‌کند. افزون بر این، وی شکل این بنا را به زیگورات‌ها مانند می‌کند و بخشی از خاکریزها را بقایای ساحات پلکانی این مجموعه می‌داند. (The Remains of a Monumental Timurid Garden Outside Herat, p 79)

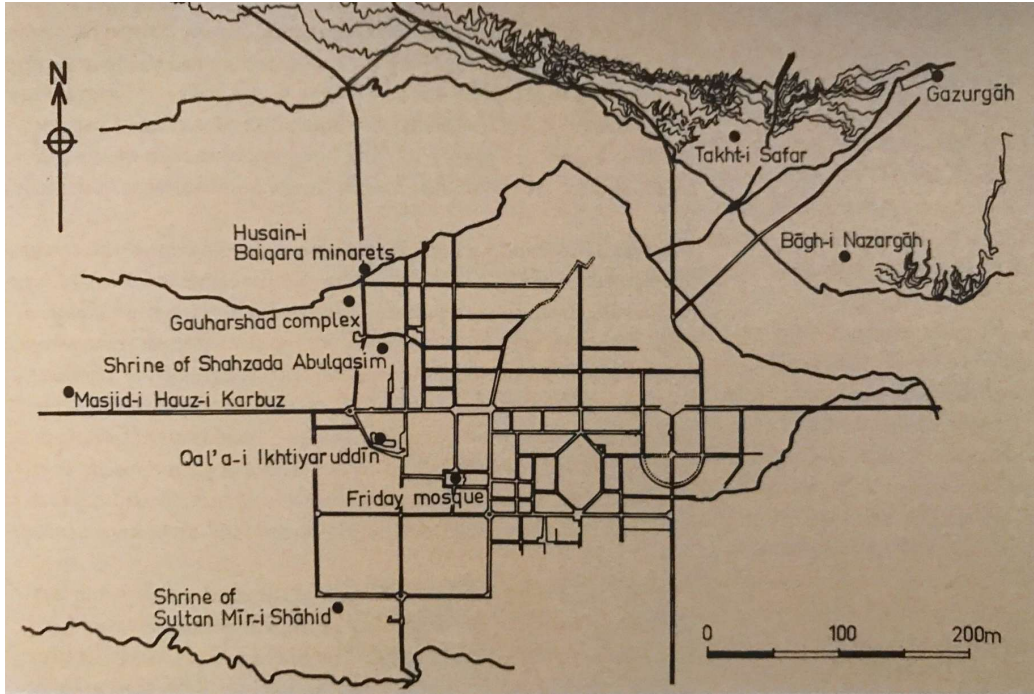
(The Archaeological Gazetteer of Afghanistan, p 45)

به اساس توضیح نویسنده در کتاب حاضر و مقالهٔ یادشده، به نظر می‌رسد که این باغ، مجموعه‌ای مستقل از باغ نظرگاه بوده‌باشد، لکن در کتاب فرهنگ جغرافیایی ساحات باستان‌شناختی افغانستان، اوصاف مرتبط با این بنا در ذیل مدخل باغ نظرگاه آمده‌است و این طور به نظر می‌رسد که بال در این کتاب، این مجموعه را از باغ نظرگاه دانسته باشد (The Archaeological Gazetteer of Afghani- stan 45). در هر صورت طبق توضیحات نویسنده، این مجموعه خارج از منطقه‌ای است که امروزه به باغ نظرگاه شناخته می‌شود، اما این که این مجموعه در اصل جزئی از باغ نظرگاه بوده‌است یا خیر به ما روشن نگردید (برگرداننده).

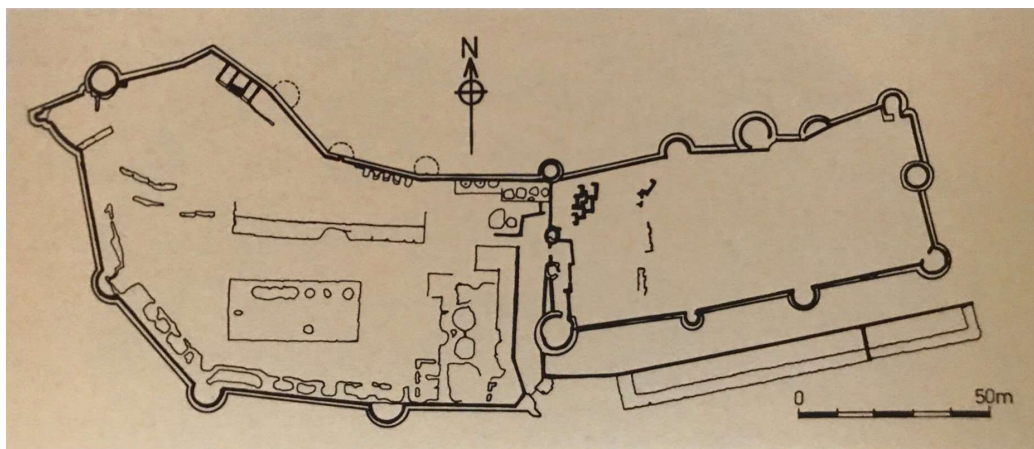


پیوست

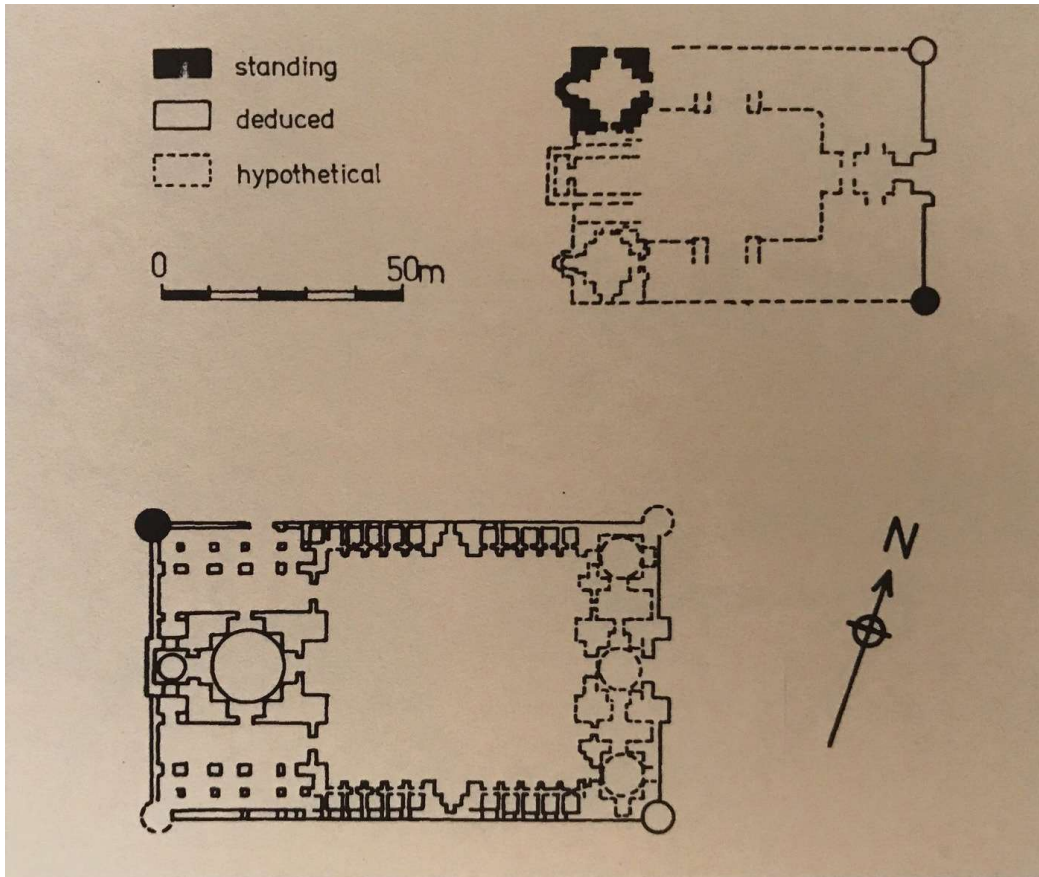
نقشه‌ها



تصویر ۱: نقشه‌ای کلی که محل قرارگیری بناهای تاریخی اصلی شهر را نشان می‌دهد

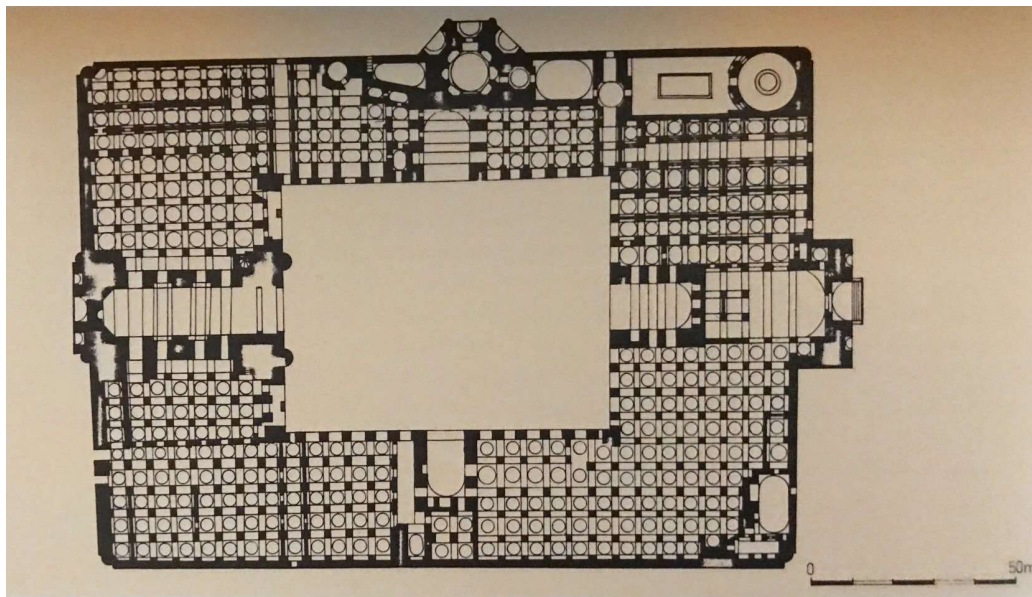


تصویر ۲: نقشه قلعه اختیارالدین

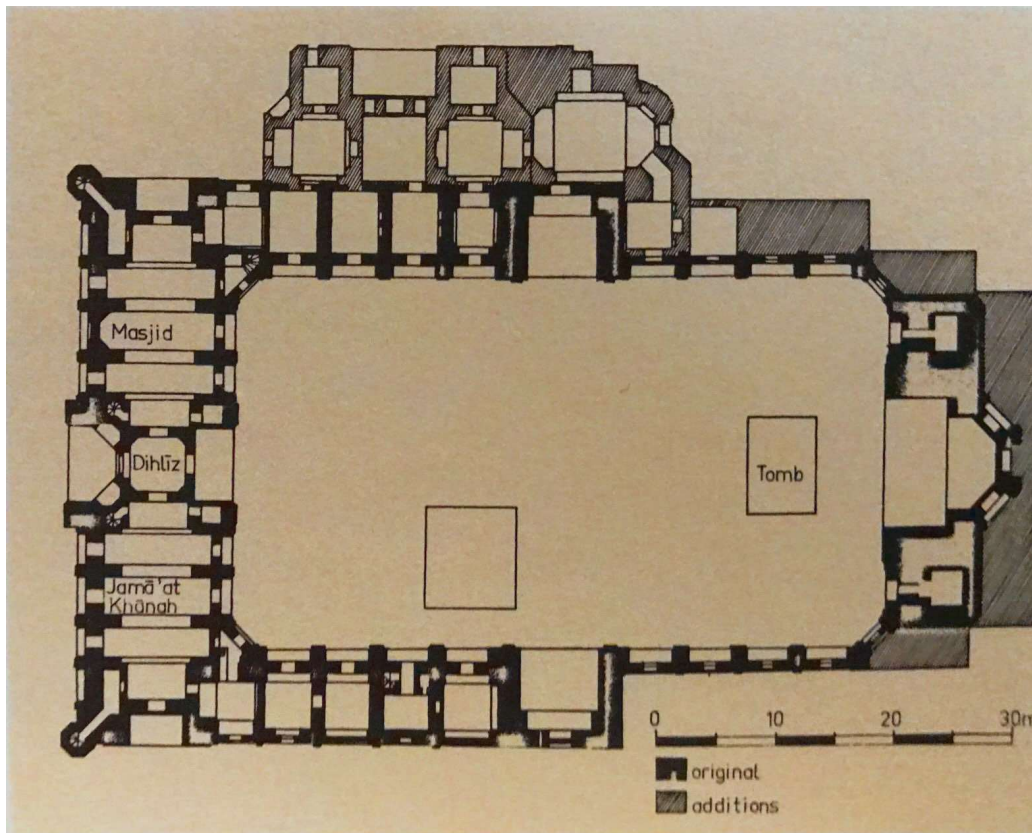


تصویر ۳: نقشه بازسازی شده مجتمع گوهرشاد

نامه یاسنغر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی



تصویر ۴: نقشه مسجد جامع



تصویر ۵: نقشهٔ عمارت اصلی زیارتگاه خواجه عبدالله انصاری

منابع نویسنده

- Allen, T. *Timurid Herat. Wiesbaden*, Reichert, 1983.
- Ball, Warwick. "The Remains of a Monumental Timurid Garden Outside Herat." *East and West*, no 31, 1981, pp 79-82.
- ———. *The Archaeological Gazetteer of Afghanistan*. 2 vol, Paris, Recherche sur les civilisations, 1982, pp. 66, 84, 346, 349, 428, 819.
- Brandenburg, D. *Herat: Eine Timuridische Hauptstadt*. Graz, Akademische Druck - und Verlagsanstalt, 1977.
- Bruno, A. *The Citadel and Minarets of Herat, Afghanistan*. Torino, UNESCO, 1976.
- Byron, R. "Timurid architecture: general trends." *A Survey of Persian Art*, edited by Pope, A. and Ackermans, P., London, Oxford University Press, 1938-1939, pp 1125-1135.
- Dupree, L. *Afghanistan*. New Jersey, Princeton University Press, 1980, pp





243-260.

- English, P. "The traditional city of Herat, Afghanistan." *From Madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City*, edited by Brown, L.C., Princeton, The Darwin Press, 1973.
- Gaube, H. "Innenstadt und Vorstadt Kontinuität und Wandel im Stadtbild von Herat zwischen dem 10 und dem 15 Jahrhundert." *Beiträge zur Geographie Orientalischer Städte und Märkte*, edited by Schweizer, G., no. 24, 1977, pp 213-240.
- Golombek, L. *The Timurid Shrine at Gazurgah. Toronto*, Royal Ontario Museum, 1969.
- Hansen, E. *Afghanistan: Conservation et Restauration des Monuments Historiques*. Paris, UNESCO, 1964.
- Hillenbrand, R. "The architecture of the Ghaznavids and Ghurids." *Studies in Honor of Clifford Edmund Bosworth: Volume III- the sultan's turret*, edited by Hillenbrand, C., Leiden, Brill, 2000.
- Knobloch, E. *The Archaeology and Architecture of Afghanistan*. Stroud, Tempus, 2002, pp 118-125 & 131-149.
- Le Strange, G. *Lands of Eastern Caliphate. London*, Cambridge University Press, 1905, pp 408-409.
- Lézine, A. "Hérat: notes de voyage." *Bulletin d'Etudes Orientales*, no. 18, 1963-1964, pp 127-145.
- von Niedermeyer, O and Dietz, E. *Afghanistan*. Leipzig, K.W. Hiersemann, 1924, pls. 124-163.
- Nölle-Karimi, Christine. "Herat Art and Architecture." *Encyclopaedia of Islam*, edited by Krämer, G. and etal., vol III, Leiden, Brill, 2001.
- O'Kane, B. *Timurid Architecture in Khurasan*. Costa Mesa, Mazda Publishers in association with Undena Publications, 1987.
- Pugachenkova, G.A. "A l'étude des monuments timurides de l'Afghanistan." *Afghanistan*, no. 3, 1970, pp 24-49.
- Samizay, R. *Islamic Architecture in Herat: A Study towards Conversation*. Kabul, Research Section of International Project for Herat Monuments, Ministry of Information and Culture, Democratic Republic of Afghanistan, 1981.
- Stuckert, R. "Der baubestand der Masjid-I Jami in Herat 1942/43." *Afghanistan Journal*, no. 1, 1980, pp 3-5.
- Tirard-Collet, O. "War and reconstruction: the condition of historical buildings and monuments in Herat, Afghanistan." *Iran*, no.36, 1998, pp 123-138.





منابع برگرداننده

- جوزجانی، قاضی منهاج سراج، (۱۳۴۲)، طبقات ناصری، تصحیح و مقابله و تحشیه و تعلیق عبدالحمّی حبیبی قندهاری، ۲ جلد، کابل: پوهنی مطبعه.
- خاوری، جواد، (۱۳۹۵)، شگفتی‌های بامیان: واقعیت و افسانه، عرفان: تهران-کابل-آلمان.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله، (۱۳۸۶)، عرایس الجواهر و نقایس الأطایب (جواهرشناسی، کاشی‌گری و عطرها)، به کوشش ایرج افشار، تهران: المعی.
- Allan, J.W., Llewellyn, L.R. and Schweizer, F." The history of so-called Egyptian faience in Islamic Persia: investigation into Abū'lqāsim's treatise." Archaeometry , no 2, 1973, pp 165-173.
- Ball, Warwick. "The Remains of a Monumental Timurid Garden Outside Herat." East and West, no 31, 1981, pp 79-82.
- ---.The Archaeological Gazetteer of Afghanistan. 2 vol, Paris, Recherche sur les civilisations, 1982.
- ---. The Monuments of Afghanistan: History, Archaeology and Architecture. London, I.B. Tauris, 2008.
- Golombek, L. "The Resilience of the Friday Mosque: The Case of Herat." Muqarnas: An Annual on Islamic Art and Architecture, no. 1, 1983, pp 95-102.
- Vercellin, Giorgio. "The identification of Firuzkuh: a conclusive proof." East and West, vol.26, no. 3 & 4, 1976, pp 337-340.

